

سیری در سیره زندگی ادیب ثانی

امیر حسین محمدی - طلبه سطح یک مدرسه علمیه امام صادق (ع) دماوند

چکیده

برخی از اهل لغت وصف و نعت را متفاوت دانسته اند؛ وصف در صرف به کلمه ای اطلاق می شود که دلالت بر معنایی در موصوف کند. اما در علم نحو وصف شامل خبر، حال و نعت می شود. در این مقاله به برخی افتراقات و اشتراکات آنان اشاره می شود. «اشتراک خبر، حال و نعت» ممکن است به صورت اشتراک در وصفیت، وجوب یا عدم وجوب تطابق با صاحبان خود، تقسیم به مفرد، جمله، شبه جمله و وجوب ربط با صاحبان خود باشد. در «اشتراک حال و نعت» گفته شده حال و نعت در کلام فاصله اند، باید مشتق باشند و خبر واقع شوند، هم چنین این دو کلمه قابلیت ضمیر واقع شدن را ندارند و حذف شدن آنها کم دیده شده است. اشتراک میان خبر و نعت را می توان در امکان حذف صاحبان، عدم فاصل بین خبر و نعت و عدم ابتداء به واو در این دو دانست. اما در «اشتراک خبر و حال» باید گفت؛ صاحب حال و خبر جواز ضمیر واقع شدن را دارند، می توانند معرفه یا نکره باشند، و می توان آنها را با «إِلَّا» فصل کرد. همچنین نعت و خبر در نوع عامل اشتراک دارند. از جمله نکات در «فرق خبر و حال و نعت» این که خبر، حال و نعت از لحاظ نوع رابط و معرفه و نکره بودن با یکدیگر متفاوت اند. اما «حال و نعت» تنها در اطلاق و تنقید با هم متفاوت هستند. خبر و نعت نیز رابطه ای دوسویه دارند در که با توجه به اختلاف رتبه آنها در فهم، با یکدیگر متفاوت شده اند؛ نعت قبل از علم به آن، خبر است و خبر بعد از علم به آن، از اوصاف شمرده می شود.

کلید واژه

وصف، خبر، حال، نعت، اشتراک، افتراق

زندگی نامه

شیخ محمدتقی بن اسدالله راموز بهاور معروف به ادیب نیشابوری و ادیب ثانی، از دانشمندان برجسته نحو و ادبیات عرب است. وی پس از استادش میرزا عبد الجواد (متوفی 1344 ق) ادیب نیشابوری اول، یگانه دوران و علامه وقت خود در ادبیات و علوم عربیه بوده به حساب می آمده است. حوزه درس ادیب مرجع استفاده طلاب و فحول اکابر بوده است. احاطه بر فواید غریبه و قواعد عجیبه و تحقیقات عمیقه و مباحث دقیق به هنگام تدریس وی را متفرد در زمان خویش ساخته بود. وی در سال 1315 قدر روستای خیرآباد از توابع عشق آباد نیشابور، دیده به جهان گشود. سواد خواندن، نوشتن و دروس مقدماتی را نزد پدر خود که خیاطی اهل فضل بود، فراگرفت. او در سال 1328 قمری جهت تحصیل علوم دینی در مقاطع عالی به مشهد مقدس سفر نمود. پس از فراگیری مقداری از علوم در سال 1333 قبه محضر استاد بزرگ ادبیات، ادیب نیشابوری اول راه یافت و با تلاش و کوشش فراوان و هوش و استعداد سرشاری که داشت در سال 1335 ق صاحب حوزه تدریس شد (قنبری، 1388: 143-144).

سر انجام، این مدرس والامقام ادبیات و بلاغت اسلامی روز 20 ذی حجه 21- آذر 1355 در سن 81 سالگی، «با ذکر نام مبارک امیرالمؤمنین (ع) و یا علی (ع) به دیار حق شتافت و طالبان علم و ادب را در ماتم فرو برد» (قنبری، 1388: 141-142)؛ پیکر ایشان در قسمت جنوب غربی صحن عتیق، به خاک سپرده شد (محقق، 1379: 9).

اساتید

در میان کسانی که ادیب در محضر آن ها زانوی ادب زده است نام بزرگانی چون شیخ محمد کدکنی، میرزا عبدالجواد نیشابوری، آقا بزرگ حکیم شهیدی، شیخ حسن برسی و میرزا محمد باقر مدرس رضوی دیده می شود (محقق، 1379: 7).

علوم و معلومات

ادیب در رشته های مختلفی از جمله ادبیات عرب، ادبیات فارسی، منطق، فلسفه، ریاضیات، فقه، اصول، رجال، حدیث و تفسیر تبحر خاصی داشته است. هم چنین گفته شده است او در نجوم و علوم غریبه نیز تخصص داشته است. از سویی دیگر تبحر و تخصص ادیب در علم طب نیز شهره بوده است، به حدی که تا هشتاد سالگی از سلامت مزاج برخوردار بوده و کمتر کسی به یاد دارد که وی به پزشک مراجعه کرده باشد.

درباره احاطه ویژه ادیب بر علوم مختلف از شاگردان ایشان نقل شده است: «روزی در مشهد یکی از اساتید به خدمت ایشان آمد و عرض کرد که در حوزه چه درس هایی را می گوید؟ ایشان به خیال خود که منظور سؤال کننده این است که توانایی تدریس چه درس هایی را دارید، پاسخ دادند: اسفار، شفای بو علی و...» (محقق، 1379: 7).

درس ها و مدرس ها

استاد از سن بیست و پنج سالگی صاحب حوزه تدریس گشت و تا سه روز پیش از رحلتش همواره به تدریس مشغول بود. وی چندین متن

از جمله شرح سیوطی، مغنی، شرح نظام، حاشیه ملا عبدالله، معالم، مقامات حریری و گوهر نامه (عروض و قافیه) را تدریس نمود. روشن است که با آن میزان احاطه علمی ایشان توانایی تدریس دروس سطح عالی را داشته است اما به بیان خود ادیب «نیاز به تدریس ادبیات در آن دوره، بیش از هر چیز دیگری بود.» (محقق، 8: 1379)

آثار

آثار ادیب را می توان به سه بخش تقسیم کرد:

الف) شاگردان

روشن است که استادی چنان متبحر، با تدریسی زبان زد و پرجاذبه، در مدت زمانی طولانی آن هم در حوزه گرم و پرشور خراسان، موفق به پرورش شاگردان بسیار خواهد شد. در میان کسانی که از خرمن دانش ادیب بهره مند گردیده اند عالمان عامل، مدرسان زبده، واعظان نامی، دبیران، نویسندگان، محققان، مؤلفان، استادان دانشگاه و... به چشم می خورند. بدین سان آثار وجودی این مرد علم و ادب، از این ناحیه بسیار وسیع و بابرکت بود. از آن میان می توان کسانی هم چون دکتر مهدی محقق، استاد محمدرضا حکیمی، شهید اندرزگو، علی موسوی گرمارودی و علی اکبر الهی خراسانی را نام برد (محقق، 10-11: 1379؛ قنبری، 139: 1388)

ب) تألیفات

این عالم بزرگوار تألیفاتی نیز از خویش بر جای گذاشته است. از آن میان می توان را نام برد. ایشان در «آیین نامه» می فرماید:

چو من در راه آیین ره سپارم

بسی در کیش و آیین نامه دارم

ستایش نامه ام دری ثمین است

که در وی مدح سالاران دین است (محقق، 12: 1379)

ج) شعر

ادیب نیشابوری در زمینه ادبیات موزون و نظم نیز نبوغ خود را به نمایش گذاشته است:

(1 دیوان اشعار تحت عنوان «منتخب اشعار ادیب نیشابوری» که شامل اشعاری در رابطه به خداشناسی، جهان شناسی، مدایح اهل بیت و... می باشد.

«2 گوهر دانش» که با همت یکی از شاگردان استاد فراهم آمده است که مشتمل بر مسائل تاریخی و ادبی گوناگون می باشد. در اینجا نمونه ای از رباعیات استاد را می آوریم:

عشقی، عشقی، اگر بقا می جویی

دردی، دردی، اگر خدا می جویی

رنجی، رنجی، اگر به یاد گنجی

مرگی، مرگی، اگر لقا می جویی (محقق، 12: 1379)

معلم آستان قدس رضوی

عشق مفروط و علاقه زائدا الوصف حضرت استاد ادیب نیشابوری دوم^۹ به خاندان عصمت و طهارت به ویژه امام هشتم علی بن موسی الرضا(ع)، ایشان را در سلک استادان آستان قدس رضوی مفتخر ساخت. واسطه این فیض جناب سید جلال تهرانی هم شاگردی جناب استاد در درس ادیب اول بودند.

باید یادآور شد که منصب مدرّسی و معلّمی آستان قدس رضوی راتبه ای بوده است که از دیرباز، علما، فضلا و ادبا مفتخر به آن می گردیده اند. از جمله بزرگ ترین شخصیت های این راتبه، جناب مدرّس نیشابوری (1136 ق)، میرزا حبیب الله رضوی (1196 ق)، مدرّس شیرازی (متوفی 1291 ق) و... بوده اند که همگی آن ها در شمار بزرگ ترین فقیهان و ادیبان عصر خویش به شمار می آمدند. شایان توجه است که ایشان به عنوان آخرین مدرّس آستان مقدسه، ملقب به «ختم المدرّسین» شده اند. (نقل از محمود یزدی مطلق؛ قنبری، 148-151: 1388)

شخصیت و ویژگی های اخلاقی

سید محمدحسین میر فضایلین در مورد شخصیت علمی و جذبه اخلاقی استاد می فرماید: «الحق والانصاف ایشان درس را در اعلی درجه جدّیت تدریس می فرمودند و شاگردانِ قدردان نیز با خود زمزمه می کردند: درس ادیب اگر بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را.» (قنبری، 91: 1388)

از ویژگی های ایشان می توان به زهد، سادگی در پوشش، بی آلایشی زندگی، وارستگی و آزادگی، سلامت و نشاط، آستان بوسی امام رضا (ع)، شیفتگی اهل بیت علی همو درس نمونه اشاره کرد.

جناب علی اکبر خراسانی به نقل از شهید مطهری^۹ فرمودند: «روزی در صحن مطهر حضرت امام رضا(ع) از جلو پنجره فولاد می گذشتم، شخص روحانی ای که عبا بر سر انداخته بود و به طرف پنجره فولاد می آمد را دیدم. همین که نزدیک پنجره فولاد، مقابل ضریح رسید، خود را به احترام و عشق به امام رضا(ع) بر روی زمین انداخت. او را نشناختم، چون پرس وجو کردم، معلوم شد آن روحانی عاشق

روش تدریس

درس استاد طی سالیان دراز، درس نمونه مشهد به شمار می رفت به گونه ای که مشتاقان وی از حوزه های دیگر- حتی قم- به مشهد روی می آوردند.

اما از امتیازات روش تدریس وی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1) تبحر استاد در ادبیات عرب، که در عصر خود صاحب نظر و یگانه به شمار می رفت به گونه ای که یکی از اساتید جامعه الازهر مصر، وی را برای تدریس به مصر دعوت کرده بود. همچنین یکی دیگر از شاگردان استاد، جناب دکتر محقق درباره شخصیت علمی ایشان چنین می فرماید: «من که مکرر اندر مکرر به کشورهای عربی سفر کرده ام و با ادبای بزرگ آن دیار همچون شوقی ضیف (مصر)، شاکر فحام (سوریه)، صالح العلی (عراق)، حمد جاسر (عربستان سعودی) و... در مجامع علمی و فرهنگستان های مختلف حشر و نشر داشته ام، ادیب را بالاتر از همه آن ها می دانم. علی رغم آن که زبان مادری ادیب، فارسی بوده و در کشور های عربی زبان هم اقامت نداشته است.» (قنبری، 1388: 14)

2) جامعیت استاد در علوم متعارفه و فنون مختلفه؛

3) سابقه ممتد، تجربه فراوان و رعایت نظم در شروع درس؛

4) برخورداری از صدایی غرا و رسا، طاقت لسان، قدرت تفهیم و داشتن سخنی موزون و آهنگین که رغبت و عدم خستگی شاگردان را به همراه داشت؛

5) محبت پدرانه، تواضع و بی آلاشی و دیگر اخلاق حسنه استاد که درس را برای مشتاقان، جلوه ای دیگر می بخشید (محقق، 1379: 31).

فرازی از وصیت نامه ایشان

ایشان در فرازی از وصیت نامه شان می فرماید: «باری این عبد ضعیف محمد تقی بن اسدالله مشهور به ادیب نیشابوری، هرگاه در مشهد مقدس رضوی فوت کنم اگر در آستانه به طور مجانی دفن کردند بسیار خوب، والا باید مرا در کوه سنگی نزدیک استادم آقا بزرگ رضوی و شیخ اسدالله یزدی- رضوان الله علیه ما- دفن کنند و بر لوح قبرم بنویسند: «هَذَا قَبْرُ دُفِنَ فِيهِ جَوْهَرُ الْعِلْمِ وَ حَقِيقَةُ الْاَدَبِ» (محقق، 1379: 364).

کتابنامه

1- قنبری، امید، (1388) ش)، زندگینامه و خدمات علمی فرهنگی شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

2- محقق، مهدی، (1379) ش)، یادنامه ادیب نیشابوری (زندگی نامه استاد و مجموعه مقالات در مباحث علمی و ادبی)، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.